

# نقش عناصر بینامتنی در پرداخت داستان یک اشی مشی

حامد هاتف



عنوان کتاب: گنجشک اشی مشی  
نویسنده: ناصر یوسفی  
ناشر: پیدایش  
نوبت چاپ: اول ۱۳۸۸  
شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه  
تعداد صفحه: ۶۰ صفحه  
بها: ۱۵۰۰ تومان

ترانه گنجشک اشی مشی را اولین بار بیشتر ما یا از زبان مادران مان شنیده‌ایم (چه شب‌ها مادرم افسانه می‌گفت / از آن گنجشک اشی ماشی و من / به رویاهای شیرین غرقه بودم / نشسته محو گفتارش به دامن - شفیع کدکنی، اشیا متریوک) یا با صدای فرهاد مهراد. اصل این ترانه، بار سیاسی خاصی ندارد؛ بیشتر یک ترانه فولکلور کودکانه بی‌دردسر است. فرهاد بود که نخستین بار شاید (تا آن‌جا که نویسنده این مطلب اطلاع دارد) با جایگزین کردن کلمه «حاکم»، به جای «حکیم» در پایان آن، به کل ترانه باری سیاسی و اعتراضی بخشید. بخش مهم کاری که ناصر یوسفی در «گنجشک اشی مشی» انجام داده، مرهون استفاده از همین صورت‌بندی تازه است که امکان معرفی، توصیف و آموزش رویکردهای اعتراضی خاصی را برابر ستم و بیداد حاکمان، به کودکان و نوجوانان به وجود می‌آورد.

تا کنون کتاب‌های چندی بر اساس افسانه گنجشک اشی مشی که سرچشمه آن دست‌کم با وجود جست‌وجوهای نویسنده این مطلب، همچنان برای او مبهم است، در ایران منتشر شده. شعر کودکانه «گنجشک اشی مشی» سروده و نداد فتوتیان (تصویرگر: سعید رزاقی / لوح دانش ۱۳۸۷)، «گنجشک اشی مشی»، تنظیم و تصویر غلامعلی لطیفی (نشر گزارش ۱۳۶۶) از سری کتاب‌های لاک‌پشت، «گنجشک اشی مشی»، به‌روایت هوشنگ اشترانی (تصویرگر شادی عشقی / نشر مفاهیم، ۱۳۷۸)، «گنجشک اشی مشی راستگو باش»، نوشته ژیا احمدی (نقاشی عبدالحسین پورعیدی / نشر پیام عدالت ۱۳۷۵) از سری داستان‌های حیوانات، «گنجشک اشی مشی رها شد از چنگ پیشی»، نویسنده علی طاهری (نشر مذاکره ۱۳۸۳)، «گنجشک اشی مشی و کلاغ جارچی باشی»، نوشته م.آزاد (تصویرگر آراسته رزاقی / نشر خانه ادبیات ۱۳۷۸)؛ نمونه‌هایی از این کتاب‌هاست.



آنچه کتاب ناصر یوسفی را از سایر این کتابها متمایز می‌کند، حضور موثر عناصری بینامتنی است که از افسانه‌ها و داستان‌های دیگر وارد داستان او شده‌اند. شیوه روایت یوسفی در این کتاب، از شیوه روایت شهرزاد هزار و یک‌شب وام گرفته شده و آنچه گنجشک اشی مشی انجام می‌دهد، یادآور اعمال قهرمانانه رایین‌هود انگلیسی و عیاران ایرانی است. استفاده یوسفی از عناصر داستان‌های دیگر را می‌توان در چند مورد خلاصه کرد: الف) استفاده از موتیف‌های مرسوم ادبیات عامیانه ایران (ب) موازی‌سازی برخی کارکردهای قهرمان داستان (گنجشک اشی مشی) با کارکردهای آشنای قهرمانان داستان‌های دیگر کشورها. از نمونه دوم، می‌توان از شاه دزدیدن و به مستمند دادن گنجشک اشی مشی را مثال زد که موازی کارکرد رایین‌هود در جنگل شروود است.

راوی قصه برای گنجشک ساده‌ای که نخستین بار نام گنجشک اشی مشی (قهرمان اسطوره‌ای گنجشک‌ها) را از زبان یک دختر بچه می‌شنود، ننه‌گنجشکه‌ای است که رابطه خونی با او ندارد و نسبت به آن گنجشک ساده، غریبه محسوب می‌شود. چرا بار روایت این داستان به گردن ننه‌گنجشکه می‌افتد؟ چون همه اطرافیان آن گنجشک ساده، از جمله مادرش، از بازگو کردن داستان گنجشک اشی مشی برای او واهمه دارند، مبادا گنجشک ساده هوای اعمال قهرمانانه به سرش بزند. از همین‌جا مشخص است که گنجشک اشی مشی عاقبت خوشی نداشته؛ وگرنه نامش در زمره نام‌های ممنوعه در نمی‌آمد. در واقع هم همین‌طور است؛ چون گنجشک اشی مشی، تنها «رعیت» پادشاه است که به خود جرات نقض دستور او را در وارد نشدن به محوطه قصر شاهی می‌دهد. نتیجه دیگری که خونی نبودن رابطه ننه‌گنجشکه با گنجشک ساده به بار می‌آورد، ایجاد این امکان است که ننه‌گنجشکه را در تحلیلی بر اساس آموزه‌های پراپ، موازی «جادوگر» قلمداد کنیم. به این نکته بعد خواهیم رسید.

مونث بودن راوی داستان گنجشک اشی مشی (ننه‌گنجشکه) و زمان قصه گفتن او، در اوایل غروب هر شب تا تاریک

شدن کامل هوا و رسیدن وقت خواب، مشابه جنسیت شهرزاد هزار و یک‌شب و زمان قصه‌گویی اوست. البته در آن‌جا شهرزاد بخشی از قصه را به فردا می‌اندازد تا زنده بماند؛ در حالی که دلیل انتخاب وقت غروب برای قصه گفتن، در داستان یوسفی، مشخص نیست. اگرچه می‌تواند به دلیل علاقه و عادت مطبوع بچه‌ها به قصه شنیدن پیش از خواب باشد.

داستان گنجشک اشی مشی از این قرار است که او از تاج شاه یاقوتی می‌دزدد تا برای بازی به بچه‌هایش بدهد، ولی پیرزنی را می‌بیند که با فروش آن یاقوت می‌تواند سر و سامانی به زندگی کودکانش بدهد و در نتیجه یاقوت را به پیرزن می‌دهد و از آن پس یکی یکی از مرواریدهای لباس شاه و جواهرات تاجش می‌دزدد و به مردم فقیر آن سرزمین می‌بخشد. رابطه جواهرات و پرندگان، از موتیف‌های مرسوم افسانه‌های عامیانه است. در دو جلد افسانه‌های صبحی، نمونه‌های زیادی از پرداخت‌های مختلف این موتیف دیده می‌شود. استفاده به‌جای یوسفی از این موتیف، در جای خود شایسته توجه است. از سوی دیگر، این که برای پرداخت چنین مضمونی، یوسفی از داستان یک پرنده کمک گرفته و نه حیوان دیگری، باز هم نشانه هوشمندی اوست. پرندگان در



افسانه‌های عامیانه ایران (به‌ویژه در قالب کیوترا)، نقش پررنگی در راهنمایی قهرمان داستان بازی می‌کنند و در کل، فضایی مثبت از آن‌ها در ذهن ایرانی وجود دارد.

نکته دیگر، رنگ به رنگ شدن او (گنجشک اشی مشی) در حوض نقاشی (حوض رنگ) رنگرزی است که دلیل این کارش در داستان ذکر نشده، ولی می‌تواند برای شناخته نشدن باشد. او هر بار به رنگی درمی‌آید و پادشاه هر بار دستور می‌دهد نگهبانانش هر پرنده تمام قرمز، تمام آبی یا مثلاً تمام سبزی را که در کشورش هست، بکشند، ولی هیچ پرنده‌ای با این مشخصات پیدا نمی‌شود. رنگ پرنده در شب آخر که سرانجام آن را گنجشک ساده طاقت شنیدن ندارد و به خواب می‌بیند، صورتی است؛ یعنی یکی از عزیزترین رنگ‌ها برای کودکان که می‌تواند یادآور معصومیت کودکان باشد. خواب گنجشک ساده این‌گونه است که گنجشک اشی مشی دستگیر می‌شود و پادشاه با او بدرفتاری می‌کند و سرانجام به قصاب باشی دستور کشتنش و به آشپزباشی دستور پختنش را می‌دهد. این‌ها را که کنار هم بگذاریم، می‌بینیم یوسفی در پرداخت داستانش، عناصر اصلی ترانه گنجشک اشی مشی را به شکلی وفادارانه و منظم دنبال کرده و در هر بخش این ترانه پرداختی داستانی انجام داده است؛ بی آن که تصنعی به نظر برسد.

داستان گنجشک اشی مشی ناصر یوسفی، ظرفیت خوبی برای بررسی از نظرگاه ولادیمیر پراپ دارد؛ یعنی می‌توان نشان داد که عناصر اصلی این داستان، دقیقاً عناصر مرسوم داستان‌های عامیانه و فولکلور است که تنها در پرداخت نهایی با آن‌ها کمی متفاوتند. کارکردها کمی متفاوت، ولی شخصیت‌ها مشابه‌اند. مثلاً جست‌وجوگر گنجشک ساده است و قهرمان، گنجشک اشی مشی و جادوگر، ننه گنجشکه. طرح اولیه برای ما ایرانی‌ها کاملاً مشخص و آشناست، ولی طرح روایی که خلاقیت نویسنده در آن خود را مشخص می‌کند، خاص همین داستان است (اشاره به نظریه بوریس توماشفسکی، فرمالیست روس). تقابل رنگ‌هایی که گنجشک اشی مشی به آن‌ها در می‌آید (قطب مثبت ماجرا) و رنگ‌های درخشان جواهرات شاه (قطب منفی ماجرا)، یکی از نمودهای این طرح روایی خاص است. گنجشک اشی مشی هر بار که جواهری می‌دزدد، پیش از آن، خود را در حوض رنگرزی به رنگی درآورده؛ رنگی که برای او همان قدر عاریه است که معتقد است این جواهرات که بر لباس‌ها و تاج شاه خوش نشسته‌اند، برای او عاریه‌اند و در واقع متعلق به مردمی هستند که آن بیرون جوش کتاب و دفتر و غذا و بیماری کودکان‌شان را می‌زنند.

و نکته آخر، مربوط می‌شود به خواب دیدن گنجشک ساده پایان ماجرا را! او طاقت شنیدن پایان ماجرا را از زبان ننه گنجشکه ندارد؛ چون پایان را به خواب دیده و این پایان سخت، قرار و خواب و آرام از او گرفته است. پس می‌رود به دختر بچه‌ای که به او قول داده بود ماجرای گنجشک اشی مشی را برایش بگوید، قصه‌ای با پایانی خوش بر اساس خیال‌ها و تصورات خودش بگوید. بنابراین، اگرچه نفس داستان گنجشک اشی مشی (قهرمان اسطوره‌ای گنجشک‌ها) ناصر یوسفی تراژیک است و به‌ویژه تحملش برای کودکان سخت، او با داستانش به کودکان آموزش خیال کردن می‌دهد؛ آموزش خیال‌های خوب کردن و در عین حال، سختی و چغری واقعیت را نیز به آن‌ها گوشزد می‌کند. واقعیتی که دم در ایستاده و منتظر است کودک کمی قد بکشد، البته نمی‌توان از حق گذشت که راه حل او زیادی خیال‌پردازانه است؛ یعنی حالا که واقعیت تغییر نمی‌کند، بچه‌های ما، خیال کنید پایان شب سیاه سفید است.

«گنجشک اشی مشی»، نوشته ناصر یوسفی، با تصویرگری میترا عبدالهی، در بهار سال جاری از سوی نشر پیدایش، در شمارگان ۲۰۰۰ نسخه منتشر شد. قیمت این کتاب ۱۵۰۰ تومان است. «گنجشک اشی مشی»، برنده نهمین دوره جایزه کتاب فصل، در بخش داستان کودک و نوجوان است. این کتاب برای گروه سنی «ب» در ۶۰ صفحه به چاپ رسیده است.

